

صحیح و عمم (۲۶)





۹۲ / ۲ / ۱

جلسه ۹۲

صحیح و اعم

یکشنبه

سال سوم

پیشخوان

امر دوم : جامع بنابر وضع الفاظ برای اعم

مبنای اول : مبنای میرزای قمی و مرحوم خویی

جامع بنابر وضع الفاظ برای اعم

مبنای اول: مبنای میرزای قمی و مرحوم خویی



امر دوم:



مبنای اول : مبنای میرزای قمی و مرحوم خوئی

صلوة وضع شده برای **ارکان** (و یا ارکان + برخی دیگر از اجزاء رئیسه)

ما بقی اجزاء صلوة، در مسمی دخیل نیستند بلکه در **مأمور به** اخذ شده اند

مرحوم آخوند

اشکال مرحوم آخوند به مبنای اول

اشکال اول : حتی در نزد اعمی ها نیز نام صلوة دایره مدار بود و نبود ارکان نیست

چراکه : گاه ارکان نیست ولی صلوة صدق می کند ← مثل صلوة آدم غریق

و گاه ارکان هست و صلوة صدق نمی کند ← مثل جایی که بین ارکان موالات نباشد

مرحوم آخوند

اشکال دوم : لازمه این سخن، مجازی بودن استعمال لفظ صلوة در مأمور به، است

و از قبیل استعمال لفظ وضع شده برای جزء، در کل باشد و نه از قبیل انطباق لفظ وضع شده برای کلی بر فرد و مصداق.

تتمه اشکال دوم: لازمه این مبنا مجاز بودن استعمال آن در اکثر قریب به اتفاق نمازها (چه صحیح و چه فاسد) چراکه: نمازهای فاسدی که از ارکان و اجزای دیگر تشکیل یافته باشند هم رابطه شان با ارکان، رابطه کل و جزء است و نه کلی و جزئی

اللهم الا ان يقال: این سخن کامل نیست چنانکه در توضیح «فافهم» خواهیم آورد

شارحین کلام مرحوم آخوند، این قول را به مرحوم میرزای قمی نسبت داده اند

عبارت میرزای قمی: فيرجع الكلام إلى وضعها بما يقبل هذا النقص الذي لا يوجب خروجها عن الحقيقة عرفاً و ذلك لا يستلزم كون الناقصة مأمور بها و مطلوبة

مراد از «فافهم» کلام مرحوم آخوند در کلام منتهی الدراية:

ایشان احتمال داده است مراد آن باشد که اگر مسمی، «ارکان لا بشرط عن الضميمة»، است، استعمال لفظ در «ارکان + اجزاء»، مجاز نیست

این اشکال بر مرحوم آخوند وارد نیست

چراکه: اگر هم ارکان لا بشرط اخذ شوند، باز هم اطلاق صلوة بر مجموع «ارکان + اجزاء دیگر» مجاز است

بازگشت مدعای میرزای قمی به دو ادعا :

اول : آنکه موضوع له صلوة ارکان است دوم : آنکه بقیه اجزاء از موضوع له صلوة خارجند

علت بطلان ادعای اول :

ارکان خود دارای مراتب است، (برای قادر و عاجز متفاوت است)
حال کدام یک را جزء مسمی و موضوع له می دانید و یا جامع بین آنها چیست؟

علت بطلان ادعای دوم :

آیا بقیه اجزاء هیچگاه داخل در مسمی نیستند و یا گاه داخل در مسمی نیستند؟

اگر هیچگاه داخل نیستند: لازم می آید که «صلوة» هیچگاه بر نمازهای صحیح صدق نکند الا مجازاً

چراکه : ارکان به تنهایی هیچگاه صحیح نیستند و این با «وضع برای اعم» منافات دارد

اگر گاهی داخل و گاهی خارج است: لازم می آید یک شیء اگر موجود بود داخل در ماهیت صلوة باشد و اگر موجود نبود،

داخل در ماهیت صلوة نباشد

بازگشت مدعای دوم ایشان به اشکال مرحوم آخوند :

چراکه مرحوم نائینی می فرماید اگر صلوة ارکان است، نمی تواند جامع اعمی باشد چراکه شامل صحیحی نمی شود الا مجازاً. و این همان مطلب مرحوم آخوند است که می فرمود اگر ارکان، جامع باشند، استعمال صلوة جز به عنایت و مجاز در افراد صحیح ممکن نیست

ما می گوئیم

صحت کلام محقق قمی و عدم ورود اشکالات مرحوم آخوند و مرحوم نائینی بر ایشان

ایراد اول [عدم صدق لفظ وضع شده برای اعم بر صحیح] وارد نیست
چراکه در این ایراد، بین مرکبات اعتباری و مرکبات حقیقی خلط شده است

در مرکبات حقیقی:

مرکبات حقیقی، ترکیب یافته اند از جنس و فصل و ماده و صورت، و این ۴ جزء به هم احتیاج دارند و عوض نمی شوند و هم چنین کم و زیاد هم نمی شوند. پس اگر حیوان، جنس برای انسان است، همیشه چنین است

در مرکبات اعتباری:

هر جزء وجود مستقلی دارد مربوط به خود، اما اینکه ما این مجموعه را واحد لحاظ می کنیم ناشی از اعتبار نفسانی ماست. و لذا می توانیم این واحد اعتباری را به گونه ای لحاظ کنیم که اگر فلان جزء موجود بود، جزء ماهیت اعتباری باشد و اگر نبود، جزء ماهیت اعتباری نباشد